



دوره ہشتم تقنینیہ

جلسہ ۱۲۲

صورت مشروح

# مذاکرات مجلس

( بدون مذاکرات اولی از دستور )

۷ دی ماه ۱۳۱۱ - ۲۹ شعبان ۱۳۵۱

قدت اشزاک سالیانہ داخلہ ۱۰۰۰ ریال نک شمارہ : بلکریال  
خارجہ ۱۲۰۰ ریال

طبعت مجلس

شماره مسلسل - ۵۳۷

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز چهار شنبه ۷ دی ماه ۱۳۱۱ هـ (۲۹ شهبان ۱۳۰۱)

## فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس  
 ۲) تصویب دو فقره مرخصی  
 ۳) تصویب لایحه ترتیب تصدیه مدیونین بانک  
 ۴) شور و تصویب لایحه واگذاری اراضی غاصه ایلات شامسون  
 ۵) تصویب لایحه اصلاحی قسمتی از بودجه موسسه انحصار دولتی دهانات  
 ۶) موافق و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس یکساعت قبل از ظهر برپاست آقای دادگر تشکیل کردید

صورت مجلس بکتابخانه چهارم دیماه را آقای مؤید احمدی (مثنی) قرائت نمودند

### ۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - آقای طباطبائی دیبا .  
 طباطبائی دیبا - در دستور عرض دارم .

رئیس - آقای انسر .

انسر - در صورت مجلس نوشته شده بود راجع بجریمه  
 در تقاضای که ترفی فاحش کرده عرض بنده تزلزل فاحش  
 بود اصلاح شود .

رئیس - بل . اصلاح میشود . در صورت مجلس نظر  
 دیگری نیست ( اظهاری نند ) صورت مجلس تصویب شد  
 آقای دیبا .

### دیبا - لایحه ۵

دیبا - لایحه ۵ که در جلسه گذشته مربوط بابایان  
 شاهسون از طرف وزارت معالیه تقدیم مجلس شد چون  
 تقاضای فوریت هم شده بود بنده لایحه خیلی خیلی خوب  
 و مفیدی است و تسریع در تصویب آن خیلی خیلی لازم است  
 این است که بنده تقاضا دارم در اول دستور واقع شود پیشنهادی  
 هم تقدیم داشته ام

### ۳ - تصویب دو فقره مرخصی

رئیس - قبل از اینکه وارد دستور شویم دو فقره مرخصی  
 از طرف کیسسون بپایان عرض و مرخصی رسیده است قرائت میشود .

\* عین مذاکرات مشروح یکصد و بیست و دومین جلسه از دوره هشتم تقابلیه ( مطابق قانون آذر ماه ۱۳۰۵ )

دائرة ته تویس و تحریر صورت مجلس

\* اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین با اجازه - آقایان : افشاری - طباطبائی و گلبی - وکیل - بنگلو - موقر - آقا زاده سزواروی  
 غائبین بی اجازه - آقایان : تپورباش - افشار - آکبر - یات - محیط - چایچی - حسنعلی میرزا درونشاهی - عسکری - یات - میانکو -  
 همراه از - قراقرز - مکت - قوام - حاج للاحین ملک  
 دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : حاج میرزا حسین خان فاطمی - پوشوری - ایسی - احمدی .

خبر مرخصی آقای حاج محمد رضا بهبهانی.  
نماینده محترم حاج محمد رضا بهبهانی برای رسیدگی  
بامور محل تقاضای دوام مرخصی از تاریخ اول آبان ماه  
۱۳۱۱ نمود و کلیه مقرری این مدت و اعم صنف بصرف  
سخت زمستانی فقرا و صنف بیعت صرفه جوئی مجلس  
مقدس اختصاص داده که بوسیله کمیسیون عرایض و مرخصی  
سهم فقرا تقسیم خواهد شد. کمیسیون با تقاضای ایشان  
موافق و اینک خبر آنرا تقدیم میدارد.

گویی - ظاهر آنستکه نی ندارد. موافقتی قیام فرمایند  
(آقای کفرمند نمودند) تصویب شد خبر مرخصی دیگر.

**خبر مرخصی آقای بیات ماکو:**

نماینده محترم آقای بیات ماکو برای رسیدگی بامور محلی  
تقاضای بک ماهه مدید مرخصی از تاریخ دوم آذرماه ۱۳۱۱  
نموده اند کمیسیون بانقضای ایشان موافق و اینک خبر  
آنها تقدیم میدارد.

گویی - بادداشتی به بنده داده اند که آقای بیات ماکو  
هم خورست باین احسانی که در مجلس شده است موافقت  
بفرمایند (صبح است) موافقت می فرمایند  
بیات ماکو - بل

**گویی - چه مقداری؟**

بیات ماکو - بسته برای مبارک است.

**گویی - شما مالکید.**

بیات ماکو - عشر

یکی از نمایندگان - دو عشر (صبح است)

**گویی - دو عشر بایک عشر؟**

بیات ماکو - دو عشر است - احسنت

گویی - دو عشرش را ایشان تخصیص دادند باین کار  
که بصوب کمیسیون عرایض و مرخصی بصرف قراربرد  
آقایان موافقتی باین خبر قیام فرمایند (اگر برخاستند)  
تصویب شد.

**[۲] تصویب لایحه ترتیب تصفیه مدیولین بانک]**

گویی - آقای وزیر مالیه هم آقای دنیا با شما توافق  
نظر دارند و عقیدهشان این است که امروز لایحه

بیشتر ضرورت دارد از قبل لایحه بانک و لایحه امروز  
بشاهوخوا و لایحه اعتبار دخانات مخصوصاً امروز  
بگذرد ولی تا آنها را پاروئند اجازه بدهد این که عمال  
در دسترس است زودتر بگذرد خبر کمیسیون عدل  
راجع و مدیولین بانک برای شوق دوم مطرح است  
کمیسیون عدل با حضور آقای مایون وزارت مالیه  
لایحه نمره ۲۵۹۰۰ دولت راجع مدیولین بانک ایران  
را برای شوق دوم مطرح و بالاخره باخیر شود اول  
موافقت شده اینک ایزت آنها برای تصویب مجلس  
مقدس تقدیم میدارد.

گویی - ماده اول فرانت میشود:

ماده اول - مدیولین بانک ایران و قائم مقام آنها که  
راجع فرع وجود بدهی قراردادی با بانک استقراری  
داشته اند تقاضای بانک ایران باید مطابق قرارداد مزبور  
فرع مقر را تا تاریخ تسطیل بانک استقراری بانک ایران  
پردازند. مدیولین بانک ایران و قائم مقام آنها که  
بانک استقراری قرارداد مخصوص راجع فرع نداشته اند  
تقاضای بانک باید فرع مبلغ بدهی را از فرع ترتیب معمول  
بانک استقراری سابق تا تاریخ تسطیل بانک استقراری بانک  
ایران تأدی نمایند

گویی - آقای افسر

افسر - در این قسمت آنها را که هیچ قرار دادی در  
بانک نداشته اند در این مدت اگر این بانک اقبال یافه  
بدولت این حق دارند بگویند که پول ما اینطور است و  
باید بدهند ولی اگر قراردادی نیست و چنانچه هیچ  
فرعی در کار نکرده و اشاره نبوده است گمان می کنم  
خیلی باید موافقت کرد باین موضوع که وقتی که سلسلش  
در موقی که خودش بوده و هیچ ما دخالتی نداشته ایم  
فرع قرار ندادند حالا ما باهم و فرع قرار بدهیم  
حالا بنظر بنده دور از عدالت است (صبح است)

وزیر مالیه - بنده این جا نوشته شده قرار داد  
مخصوصی داشته اند منظر از این قرارداد مخصوص  
قرارداد بطور متعلق نیست قرارداد خاصی نداشته اند  
و الا کسانی که با بانک همه بانکها پول میگردند و  
میدهند معامله میکنند البته قرارداد دارد و واقع فرق آن  
چیزی که میدهند دستش و شرایطش هم توش نوشته شده

چاپ شده پس این جانب تمهید می کنم که فلان ترتیب و  
فلان ترتیب و فلان فرع را رعایت کنم این در پشت  
آن ورته چاپ شده است اینها آنوقت اگر مطابق نواعد  
عمومی است که آن قرارداد خاصی ندارد و همان فرع  
عمومی را باید بدهد ولی اگر قرارداد خصوصی دارند  
غیراً فرض فرمایند فرع بانک صدی دوازده بود است  
اما بانک کسی مخصوصاً قرارداد گذاشته اند و در آن  
صریح کرده اند که صدی نه بگیرند البته این جا مطابق  
قرارداد خاصی رفتار می شود و این را نمی شود گفت  
ترتیب عمومی مقرر داشت اما اگر قرارداد خاصی نداشته  
باشند تابع ترتیب و قواعد عمومی است. منظور این  
بوده است

گویی - آقای افسر فرمایشی دارید؟

افسر - البته این توضیحی که فرمودند مشکل بنده  
را حل کرد اما عبادت خیلی نارسا است و باید تصریح  
شود که اگر قرارداد خصوصی نداشته باشند مطابق  
قواعد عمومی خاص رفتار می شود.

وزیر مالیه - کو باحضرت عالی توجه بلاموجه فرمودید  
ما نوشته ایم ترتیب معمول بانک

افسر - خیلی خوب بنده عرض ندارم

گویی - آقای طهرانی

طهرانی - عرض کنم اینک فرمودند اگر مطابق فرع  
و معمول بانک بخواهند حساب کنند که چلنگ که  
مطرح بود بنده عرض کردم نرخ معمولی بانک فرع  
اندر فرع است که غالباً با اشخاص حساب می کنند و  
این باقانون مملکتی مغایرت دارد ما آنوقت باید دیدک  
جای بخصوص این را در سبب بدهیم و بگوئیم در موضوع  
حساب بانک این موضوع فعلاً مطابق فرع عمومی بانک  
از مردم بگیرند و عرض کردم اشخاصی هم هستند که  
در نتیجه دادوستد جنس مفرود شده اند بنده خواستم  
توضیحی فرمایند تا معلوم شود که آنها دیگر فرعی نداشتند  
باشند چون اینها قرارداد فرعی نداشته اند درجس هم البته  
معامله فرق می کنند تا وقتی که معامله سراق باشد مثلاً  
بنده الان عرض میکنم در بازار اشخاصی هستند که سراقی  
می کنند و از نهار جنس را بوعده می خرید و تجاری هم

هستند که جنس می فروشند بوعده و از وعدهشان هم يك  
قدری میگذرد (کلرزوی - خیلی هم میگذرد) بل اینها  
دیگر ترتیب نمی گیرند چرا ۱ چون در حین آن معامله  
فنی که لازم است برداشته حالا خواستم بدانم آیا آن نوع  
عباسیات چه خواهد شد و این را هم مطابق معمول بانک  
اگر بخواهند حساب کنند چون معمول بانک فرع اندر فرع است  
که شش ماه را هم حساب میکنند و ضمیمه می کنند به  
سرمایه و این باقانون عمومی مملکتی مغایرت دارد و هیچ  
خوب نیست که تمام مدت را فرع اندر فرع حساب کنند  
و بنده گمان نمی کنم که نظر خودشان هم فرع اندر فرع  
باشد ولی اگر این ماده باین ترتیب بگذرد که مطابق  
معمول بانک اینجا فرع اندر فرع میشود و بنده گمان  
نمیکنم خوب نیست و باین ترتیب فرع اندر فرع رسمی  
میشود و بنده تصور می کنم که این مخالف باینست خودشان  
هم باشد این بود که عرایض می کردم.

وزیر مالیه - منظور عمده این بوده است که بانک  
بطور سهل و ساده هر طریقی از مردم دارد وصول کند و  
طلب بانک عبارت است از آنچه که در دفاترش نوشته شده  
است در دفاترش که دروغ نوشته ما بانکهای دیگری هم  
داریم با هر کس که حساب دارند بعد از دو سال - سه سال میگویند  
سوری حساب را بفرست به بنیتم چقدوسات و البته وقتیکه  
صورت فرستادند باید بر دادند و بانک هم مطابق معمولش صورت  
میفرستد و هیچ دلیل ندارد که بپردازند حالا اینها  
میفرمایند که مردم بام دعاری دارند و اینها فرع اندر فرع  
نمیگیرند این دلیل نمیشود آقا که بانک يك ترتیب داشته  
و حساب میگرد است و هر کسی که معامله با بانک  
معامله می کرده بانک بگوید فرع را بدهد بگوئیم بدهند  
و بانک نکیرد آخر بانک شش ماه به شش ماه سال بسال  
حساب میداده و باید داد. آقایان خوب است توجه بفرمایند  
که اگر يك وقت می گفتیم از آن روزی که آن طلب بانک  
ایجاد شده است حالا فرع بدهند البته اینجا جای  
ارفاق بود جای يك تخفیلی بود ولی این طور نیست  
اولا يك تخفیف در يك جایش دادم اند فریب چندین سال

ده سال شاید هیچ چیز نمی خواهند نه فرغ نه فرغ اندر فرغ در صورتیکه در واقع و نفس الامر اگر بنخواهد هیچ تعطیل هم نبوده است هیچوقت برای اینکه بانک اداره اشی مرتب بوده و تقسّم بودند و دولت هم بانک را واگذار کرده بود بیک فرآرمانگاری و بعد بهمرحز ممتاز بانک و هرکس می توانست برود طلبش یعنی طلب بانک را بدهد و از بدهکاری خلاص شود و حتی تنها موردی هم که برای آدم بهانه پیش بیاید بود اسامی. بی اسامی بانک بهم خورد، بود و دفاترش را هم لاک و مهر کرده بودند که بگویند بانکی نبود که بدهیم یک چیزی ولی این ترتیب که اسامی پیش نیامده بود ممالک آمده اند و گفته اند که یک چند سالی هیچ نمیگیرند و آن چندسال دیگر را هم مطابق معمول بانک میگیرند اما در موضوع جنس و ایاتن آن روز هم عرض کردم که اطلاع خصوصی ندارم می دانم اشخاصی باشند باین ترتیب که شما فرمودید در دفتر بانک حالا اسمشان ثبت باشد باباشد که اینطور معامله داشته باشند ولی البته میباید که هرچند معمول مملکت است تصور میکنم باید همانطور رفتار کنند و غیر از این ترتیب هم تصور نمیکنم طور دیگری بشود.

ولیس - آذی عرفانی

**عراقی** - عرض کنم بنده فقط راجع بهمان قضیه معمول بانک که میفرمایند خواستم عرض کنم. آقای وزیر مالیه میفرمایند که این قضیه چاپ شده است و اشخاص هم که بایبانک معامله کرده اند طرف بوده اند عالمأ عامداً و دانسته این معامله را کرده اند. بنده هم تصدیق دارم بلی بانک یک قانونی دارد راجع به ترتیب پول دادن و گرفتن و ترتیب فرغ ولی یک قانونی هم هست که در قبل از اینکه بانک بدولت ایران هم منتقل شود اگر راجع بیک حساب و معامله بانک در مقام محاکمه با یک کسی بر می آمد وزارت خارجه هم هیچوقت حکم صادر نمیکرد که فرغ اندر فرغ بدهند و حساب کنند. حکم را که وزارت خارجه صادر می کرد که بر له بانک بوده همیشه یک سره فرغ را حالا میگیرد و هیچوقت وزارت خارجه

در قبل از واگذاری هم که رسیدگی بمرامات می کرد فرغ اندر فرغ منظور نمی نمود حالا که این لایحه آمده می خواهند فرغ اندر فرغ حساب کنند. ما اگر وقتی بشینیم و حساب کنیم تقریباً اگر یک کسی صد تومان گرفته باشد در ظرف این دو سال میشود از فرار صدی ۱۴ در هر شش ماه هم که حساب کنیم خود آقای وزیر مالیه بهتر می دانند و می توانند حساب کنند که خیلی خیلی بیشتر از صد تا تومان میشود و آنوقت این فرغ اندر فرغ برای کسانیکه بخواهند حالا بپردازند اصلاً بده تصور می کنم خیلی طاقت فرسا باشد یعنی اسامی نتوانند بدهند و ندارند که بدهند و اگر آقای وزیر مالیه توجه بفرمایند این فرغ اندر فرغ یک قانون سختی است و خوبست قدری ارفاق کنند. والا خیلی سخت و مشکل است اگر ما یک قانونی را بگذاریم و در آن قانون تصریح کنیم که مطابق معمول بانک که قبل از آنهم که این بانک منتقل بایران بشود هیچوقت وزارت خارجه حکم راجع به موضوع فرغ اندر فرغ نمی داد و همیشه حکمش یکسره بود و حالا ما یک قانونی بگذاریم که بدتر و بیشتر از آن باشد این البته خیلی سخت است و بی ارفاق معمول مملکت هم هست.

(صحیح است)

**وزیر مالیه** - عرض میشود که یک اتفاقی برای یک اشخاصی می افتد که یک اتفاقات فوق العاده باشد شخص یا بانک در آنجا نیست که ببرد طلبش را بدهد یا شخصی مفلس شده است و تجار تنگانه اش بوم خورده است و فلان این موارد از آن دوراری است که البته همه قواعد و قوانین عدلیه و اینها را مراعات میکند ولی یک شخصی هست دارا پولی از بانک فرسخ کرده است آنهم بانکی که باید اینکه پولش را ندهند نبوده است آن هم در سنه ۱۹۱۸ مسیحی بواسطه انقلابات روسیه یک تغییر و تبدیلی پیش آمده بود و در سال سه سال بعد بدولت ایران منتقل شده یعنی کوبا در اسفند ۱۲۹۹ حالا باید حساب و بدعی شان را برسی بدهند. خوب تا حالا نداده اند و باید مطابق معمول بانک بدهند منتفی یک ارفاقی هم شده است. میفرمایند اگر

یک کسی پولش مانده چرا فرغ اندر فرغ بدهد و باین زحمات مبتلی بشوند مردم عرض میکنم ممکن بود بیثبات است اختیار باخوشی بود بیثبات است بکلادار پول بانک بماند. اما اینطور که وحشت میفرمایند هم نیست در حساب اینطور ها هم نمی شود ملاحظه میفرمایند یک کسی اگر دو سال یا سه سال قبل از این که بانک هم بخورد صد تومان فرسخ داشت این صد تومان دو دوازده تومان فرغ داشت بعد هم فرغ اندر فرغ بخوایم حساب کنیم سه سالش میشود ۳۶ تومان خوب ۳۶ تومان فرغ بیاید این چه هفت هفت تومان. پنج تومان بیشتر نه بشود اما فرغ اندر فرسخ. اما اگر پنج فرغ اندر فرغ دهند و یک سره امروز بدهند خوب آنوقت میشود از صد تومان صد و بیست تومان اگر همه فرغ شود و حساب کنند. اینجا عرض کردم یک کشتی هم میکنند برای ده دوازده سال که اسامی هیچ فرغ اشی نمی گیرند که اگر تا تیر ۱۳۱۲ تصفیه نمایند تا تاریخ تعطیل بانک تا زمان تأدیبه فرغ دیگر از آنها مطالبه نخواهد شد و اگر بپردازند از تاریخ ابلاغ مطالبه نامه و با اقامه دعوی در محاکم عدلیه یا دیوان محاکم عالی تا تاریخ صدور حکم بفرغ مقرب از مطابق فرار داد خصوصی که داشته اند باید بپردازند و این البته تصفیه بر خودش بوده است چون بعد از اظهار نامه که بیثبات است برود و تصفیه کند چون فرقه خرابت تأخیر تأدیبه بهمانای حقیقی بهش وارد میشود. در هر سون کسانیکه قبل ازهم خوردن این از بیست سال قبل از آن که فرسخ نکرده اند این فرسخها مربوط بدو سه سال قبل آخری است و اینجا همچو چیز سنگینی است بشود در مقابل این ارفاق ارفاقی باشد از منافع سنگینی است بیش از آنچه که از اشی گرفته میشود. بعلاوه بنده می خواهم عرض کنم اصلاً آقایانیکه بیایم مقروضند و برودند و تصفیه کنند با بانک معلومی هم در این جا گذاشته بده است بنده از خارج اطلاع دارم یعنی خود اداره بانک هم همیشه اظهار کرده است که حاضر است باهنوع مدارا و ملائمت تصفیه کند و ترتیبی بدهد برای ابتکار. اینجا هم ملاحظه

میفرمایند نوشته شده است ترتیب با یک بدهد. خصوصاً یک کسی را خود اداره بانک صحبت میکند که مشغولاً یک رونق مقروض بودند بیایم و بر علیه آنها اقدام دعوی شد یکی از آنها گفتند که من نمی خواهم با بانک دعوی کنم و طرف بدم و اصل پول را برد و داد و فرغ معمولی را هم نداد فرغ اندر فرغ را هم نداد گفتند که چون از روی نجات و درستی و صلوات پیش آمده است فرغ را از اشی نگرفته اند. شما هم مطابق این قانون مجبور نمیکند که بگیرند خصوصاً طوری است که نوشته شده که بتقاضای بانک یعنی می توانند گفتند که در اینصورت چند ماه باقی است هر کسی می تواند برود با بانک ترتیبی بدهد و تصفیه کند و بنده شخصاً امیدوارم که آنها هم که واقفاً صادقانه بخوانند و بروند و تصفیه کنند همه نوع مدارا و ملائمت با آنها میشود ولی اگر یک کسی نه در آن موقعی که بانک استقرانی داشت بوده است نه در دوره انتقال داده است نه در حالا وقتی که اظهار نامه داده است بدهد همچا که هم که می رود برای بانک یک دوازده سالی خرج دارد و برای طریق من خارج ایجاد میکند و برای خودش و بانک تولید فرسخ و زحمت میکند بعد از همه این زحمات آخرش وقتی که میگردانند مطابق وقتی که بانک استقرانی بود بر ترتیب معمول بانک فرغ خواهد داد. **ولیس** - پیشنهادی از آقای شریعت زاده رسید است مقام ریاست مجلس شورای ملی پیشنهاد میکنم که تاریخ تعطیل بانک استقرانی سابق ۲۲ اسفند ۱۲۹۸ که بکمال قبل از واگذاری بدولت است قرار داده شود **شریعت زاده** - چون در کمیسیون قوانین عدلیه هم در این باب مذاکره شد و پیشنهاد دولت هم همین بوده است که تاریخ تعطیل آن تغییر نمیکرد و تاریخ ممکن بود در آنجا اختلافات و مشکلاتی راجع به تعیین آن بشود باین جهت بنده لازم دانستم تاریخی برای تعطیل مین بشود و این تاریخی که مین شد تقریباً تاریخی است که برداختهای که لازم بوده است بسمل بیاید بواسطه اختلاف امور بسمل بنامه باین جهت تاریخ تعطیل را بده مین کردم حالا

اگر آقای وزیر مالیه موافقت فرمایند تاریخ در ماه  
توت شود

**وزیر مالیه** - بنده موافقت دارم و دبلیش را  
هم عرض میکنم که می‌شد همین‌را گذشت تاریخ انتقال  
بدون تاخیر چون در لوابج اولی بود ولی اینطور خواست  
شد که یک ارباق بیشتری هم بنود که انتقال بشود و قبل  
از آن ما بود در کمیسیون گذاشته شد تاریخ تنطیل ولی  
هرچه دقت شد و مطالعه شد تنطیلی در کار نبوده است  
که یک تاریخ معینی بشود برای آن فرض کرد و در  
واقع هیچ نبوده آنوقت می‌شد تاریخ انتقال ولی همین  
طوره که آقای شریعت‌زاده فرمودند اوایل که کارمیکرد  
و کارشان معلوم نبود که تزییش عوض می‌شود و  
عبدنامه بسته می‌شود و منتقل بدو می‌شود اواخر  
اين پرداخت‌ها پائین‌تر آورده بودند و مسئول گرفتن پلایان  
بودند و هیچ تنطیل نبوده است باین این بنده قبول  
نمیکنم این پیشنهاد را

ولیس - نظر آقای عزیر

**مجلس (مجلس احمدی) - مطهر** - در بروز در کمیسیون همین موضوع  
مطرح شده که تاریخ تنطیل ممکن است اسباب اشکال  
شود چون تنطیل ممکن است متدرجا در ولایات واقع  
شده باشد این بود که با قانون آقای وزیر مالیه مقرر  
کردیم که تاریخ را معین فرمایند و تاریخ را معین کردند  
و چون حالا آقای شریعت‌زاده پیشنهاد کردند و یکسال  
هم ارباق است بنده هم از طرف کمیسیون قبول میکنم

ولیس - اگر نظر آقای معطوف کابون است که

دست یکسال باشد تاریخ تنطیل ۱۲ استند می‌شود

شریعت‌زاده - بنده هم موافقت میکنم ۱۲ استند باشد

ولیس - آقای هراز نظر ناآمین شد

بهیار - بله

پیشنهاد آقای طهرانی

پیشنهاد میکنم تاریخ فرغ معمولی بانک استراضی سابق  
بارع سدی ده نوشته شود  
طهرانی - عرض میکنم که در وهله اول بنده  
نیخواستم عرض کنم که بنده نیتندم فرغ معمولی بانک

چه است تحقیق هم کردم باز توانستم که آیا بقیه این  
نظر بنده این نیست که از فرغ معمولی بانک انقضاء شود  
معاذ خود که عرض کردم البته بنده خوب میدانم که نظر  
شخصی آقای وزیر محترم مالیه این نیست که مردم را  
در مقیسه بگذرانم و یک چیزی برخلاف معمول از آنها  
بگیرند حتی می‌توانم عرض کنم که نیتندم این است  
که ارباق بیشتری کرده باشند و میخواستم عرض کنم  
یک فرغ اندر فرعی در بانکها هست حالا اگر یک  
قارعالی گذاشت باشند بنده تصدیق می‌کنم مسیح  
است ولی در یک جریان بود که از آن تاریخ استناد  
و منافع می‌بردند دادوستد میکردند ولی یک تزییاتی شد  
که بانک تنطیل شد و بعد هم دیگر چون در جن عمل  
وقتی که بنده می‌روم فرار میکنم فرغ اندر فرغ بانک  
جریان دارد حالا یک مؤسسه که بنده نمی‌خواهم  
عرض کنم که تنطیل بوده خبر یک وقفه دوش پیدا شده  
و مردم توانستند از اشکال گذشته کن و داد و ستدش  
موقوف شده اگر فرغ اندر فرغ بخواهند بگیرند این  
حقیقتاً اصناف نیست و بنده اساساً مصلحت نیتندم که  
یک همچو چیزی از مجلس شورای ملی بگذرد که  
فرغ معمولی بانک که فرغ اندر فرغ است ماصوب کمیسیون  
و بنده این را مضر میدانم و ضمناً به موقوفه و نه گمان  
بنده موقوفه و نه هیچگونه حاشیای با بانک استراضی  
داشته‌ام و نه دارم و نه خواهم داشت ولی عرض کردم  
اين فرض فرمایند وین بانک و یک تجاری در خصوص  
داد و ستدش اختلافی پیش نیاید و بند هم بحاکمات  
مراجعه می‌کنند در محاسبات رسمی عدلیه فرغ  
محاسبات هم مطابق دفتر می‌رود فرغ اندر فرغ نوشته  
شده است و این را بنده اساساً خوب نمی‌دانم و وقتی هم  
که فرغ سدی ده را حساب میفرماید بانک فرغ حاشیای  
است و اشخاص هم قدرت دارند پرمایند و بنده عقیدم  
این است که منظور خودشان هم مضافه اجرا شده و  
استدعا میکنم این را قبول فرمایند

**وزیر مالیه** آقای طهرانی استدلالی که فرمودند درست  
استند لا بهمان چیزی است که قانون هم همان  
طوره نوشته شده برای اینکه مادامیکه بانک بوده اگر  
کسی هم فرغ اندر فرغ میداده و پیشنهاد بانک بوده و

استاد می‌برده و دادند میگردد اما دیگر چه بد از  
تنطیل که فایده نبردی دیگر چرا بدهد ما هم نوشته‌ام  
بدهد این عین منظور ایشان است اینجا اگر نوشته بود  
که بعد از تنطیل نادمه سال دیگر هم باید بدهد این  
استند لا بدست بود که بعد از تنطیل دیگر چرا بدهد  
اما راجع با اصل مطلب حالا اگر در ملکات قانونی  
نیت و در معاملات فرغ اندر فرغ هم بگیرند این را  
بمقتضی را بنده نیتندم که برای چه ما تصدیق  
یکسال که بخواهم تصدیق کنم فرغ را در هیچ  
نیاید تصدیق کرد پس اگر بخواهید که بانک اصلاً  
در ملکات باشد می‌شود تصدیق کرد و الا چنانچه ما  
یک قانونی هم بگذرانیم که محاسبه بانک فرغ اندر  
فرغ نیست بانک فردا می‌بندد بانک وجود نیتندم  
داشته باشد در تمام بانکهای روی زمین بانکهای عالم  
و رسشان این است که با کسی که حساب دارند فرغ  
می‌بندد و بگیرند حالا مالیک مالیک کمیسیون این  
تزییاتی جاری باشد این تزییاتی جاری است در تمام دنیا  
حالا ما چکار داریم که کاری کنیم که حتی این  
کار نبود شاید هم مقضی بشود که بانک قانونی بند  
درست شود که همین چیزی که فعلاً معمول بانکها است  
قانونی کنیم و جاری کنیم حالا اگر تاکنون نیتند  
است جهات دیگری داشته است بیشتر در این ملکات در  
دعاری و مرافعات نظر این بود که فلان تاجر با فلان  
ملاک که با هم پیوسته نیتندم مسیح است که جنس  
مغفروش و نیاید بدهد و این را بنده مشروطاً عرض  
کردم و وقتی هم که روی هم حساب کنید در مقابل ده  
دوازده سال صرف نظر از هرگونه فرعی نه فرغ اندر  
فرغ و نه فرغ اعمی در مقابل این ندارد و بهترین کارها  
این است که بروند و کارشان را تمام کنند و اصلاً این  
کار تمام شود بهتر تزییاتی باشد باید تمام شود و تصدیق  
شود و الا اینطور دولت طلبکار است این هم با تزییاتی

وینده است که یکوچی یک کسی از کسی طلب دارد  
هیچ نیتندم که او خیال میکند که نیتندم او دلش  
خوش است که نیتندم ولی اگر آدم مرفا باشد  
همان شخص را هم که نیتندم حاشیای را برد بدهد

و اگر یک نیکه یک وقت یک روزی طلبکار می‌رود سرش  
اسب زخمش می‌شود می‌بندد خیلی بیشتر باید بدهد  
با بر این این گونه کارها یک روزی باید تمام شود و  
تصدیق شود

ولیس - آقای مؤید احمدی

**مجلس (مجلس احمدی)** - باینکه آقای وزیر مالیه مشروحاً بیان  
فرمودند میباید بنده لازم دانستم تذکر بدهم در  
جواب آقای طهرانی سابقاً ما هم همان طوری  
که فرمودند تاریخ را معین نیتندم قانونی نبود لیکن  
در سوم بر ۱۳۰۹ قانونی گذشت و خسارت تأخیر تأدیبه  
صدی دوازده در قوانین ما معین شده است و امروز هم  
در ملکات ما مجری است در عدلیه هم حکم میدهند اما  
دولت چه کرده ارباقی کرده گفته است اگر اشخاص تا  
بر ۱۳۱۲ بدینجا را پرداختند هیچ نیتندم همان سدی  
دوازده را نیتندم آمدیم سر قبل قبل هم باز در همان  
قوانینی وضع در سوم بر ۱۳۰۹ وضع شده است و در  
مناقصات وضع قانون این در نظر مفلن بود که شاید یک  
کسی یک فرار دانی داشته باشد حکم از این ما مجبور  
نیتندم که مطابق سدی دوازده فرغ بدهد این است که  
مگر شده است در ماده ۳۶ قانون تسریح محاکمات ماده  
۲۳۰ قانون مدنی ماده ۲۴۰ قانون مدنی معین کرده است که  
اگر فرار دانی بین متعاملین هست باید مطابق همان رفتار  
کنند حالا دولت هم همین را در نظر گرفته است که اگر  
فرار دانی سدی دوازده است که آن را بدهد اگر هم نیست  
صدی دوازده بدهند بعد هم اگر پرداخت اصلاً فرغ  
ندهد این است که بنده لازم دانستم چون فرمودند که  
قانونی برای تأخیر تأدیبه نیست برای تأدیبه خسارت خواستم  
ایشان را متذکر کنم که هست

ولیس - رای میکنیم بر پیشنهاد آقای طهرانی

موافقت قیام فرمایند

(چند نفری برخاستند)

ولیس - تصویب نیتندم رای میکنیم بر ماده اول

افزایش پیشنهاد آقای شریعت‌زاده که آقای وزیر مالیه

و غیر هم قبول کرد آفتابیکه موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

**ولیس** - مصوب شد. ماده دوم فرات میشود. ماده دوم - هر يك از مدبویین بانك ایران وقایم مقام آنها که بدعی خود را بترتیب مذکور در ماده فوق نالول تیرماه ۱۳۱۲ با بانك ایران تصفی و تادیه نمایند از تاریخ تعطیل بانك استعراض سابق تا زمان تادیه فرع دیگری از آنها مطالعه نخواهد شد.

هر يك از مدبویین بانك ایران و قیام مقام آنها که تا اول تیرماه ۱۳۱۲ بدعی خود را اسلا و فرعا بطوریکه در ماده فوق مقرر است تیردازد از تاریخ ابلاغ اظهار نامه و در صورت عدم ابلاغ از تاریخ اقامه دعوی در محاکم عدلیه با عاقلات محلیه تا تاریخ صدور حکم برفع مقرر در قرار داد و اگر قرارداد خصوصی راجع برفع نبوده برفع ممدولی بانك محكوم خواهند شد.

**تیسر** ۱ - هر يك از بدهكاران بانك ایران که تا ده روز پس از ابلاغ حکم بدعی خود را اسلا و فرعا تیردازد و یا با موافقت بانك قراردادی راجع بر پرداخت بدهقتند تا بدی از تاریخ صدور حکم تا روز تادیه فرع از قرار صدی دوازده محکوم به تعاقب خواهد گرفت.

**تیسر** ۲ - مقصود از مدبویین مذکور در مواد فوق امر از شامن و مضمون عته و هر يك از امضا کنندگان دیگر اسناد بانك است.

**ولیس** - باز لازم است خاطر آقایان و متذکر کنم که در خروج از جلسه وقت و ملاحظه فرمایند که عده بقدر کافی باشد تا در لواج و کارهای جاری توفیق بشود.

آقای امیر تیمور

**امیر تیمور** - بنده در این ماده عرض ندارم.

**ولیس** - آقای مؤید احمدی

**مؤید احمدی** - چون در ماده اول تعطیل بود و بر حسب پیشنهاد آقای شریعت زاده که آقای وزیر مالیه و بنده قبول کردیم شد دوازدهم اسفند ۱۲۸۸ اینجام چون از تاریخ تعطیل است اگر احراز میفرمایید این را هم مطابق همان بنویسیم.

**وزیر مالیه** - البته موافقت است. **ولیس** - آقای شریعت زاده.

**شریعت زاده** - بنده راجع به میرسدوم این ماده نظری دارم و يك چیز زایدی است زیرا بر طبق قوانین عمومی حکمی که از محاکم عمومی صادر شده است اگر محکوم به آن نقدی باشد و محكوم علیه تیردازد باید بمشاورت تأخیر تأدیه خسارت بدهد این است که اینجا ضرورتی ندارد **وزیر مالیه** - آنچه که بنده فرمودم منظور آقایان است اینکه اینجا نوشته شده است شامن و مضمون عته محكوم بامضای خود هستند البته شامن و مضمون عته بموجب قوانین عمومی هر حکمی که صادر شد اگر محکوم علیه محکوم به را تیردازد ملزم است بتادیه چه چون فرموده يك چیز زایدی است عرض کردم.

**مخبر** - صحیح میفرمایید مطابق قوانین عمومی هم منظور است از روزی که حکم صادر شد و مدیون پرداخت البته باید خسارت تأخیر تأدیه را تیردازد اما اینجا تذکرش برای يك موضوع بود و آن این بود که در آخر ملاحظه فرمایند چون قراردادی راجع بر پرداخت ننمایند ممکن است تادیه بکنند و ممکن است يك قراردادی بکنند با بانك که ناشی از دیگر پنجده دیگر متذکر آ میروازم و تا آرزوی این فسرع صدی دوازده را بدهد یعنی تا روزی که تأدیه نشده است از این جهت تکرار شده است لكن يك توضیحی است و شری می دارد.

**ولیس** - آقای طهرانی

**طهرانی** - عرض میکنم بنده نظرم در این بود که اولاً راجع به مدت که تا آخر تیرماه ۱۳۱۲ است این يك مدت کمی است عقیده بنده این است که در آینده قیامت تیردازد. تیردازدی تا آخر - پس بنده عقیده ام این است که این مشکل است که هیچکس قیامت تیردازد برود و این وضعت اقتصادی و هم نظری که دارند استناد کنند از این چیز قیامت تیردازد استناد کنند هیچکس امروز قیامت تیردازد عرض کردم وضعت ما با اینکه نسبت بخوبی از حیث اقتصادیات بهتر است ولی با این وضعتی

که بحران عمومی تمام دنیا را فرا گرفته است ملوری است که اگر کسی نیت خالص هم داشته باشد که برود پول تهیه کند نمیتواند برایش ممکن نیست در اینصورت اولاً مدت کم است و ثانیاً این جمله تیردازد لااقل نباشد تنها تیردازد بانك کاری که قانع کند بانك را نتکند آوقت اینصورت شود يك وقت هست که خود بانك هم میداند که طرف نمیتواند بدهد اگر حاضر شد يك قسمتش را پرداخت و يك قسمتش را هم وثیقه داد که اسباب اطمانت بانك البته بهتر است در اینصورت بنده تصور میکنم باید این جمله را اضافه فرمایند بعداً: تیردازد ( و حاضر نشود بانك يك ترتیب قانع کنندند بدهند ) و در مدت هم اگر موافقت بفرمایند بیشتر باشد یعنی تا آخر مهر ۱۳۱۲ بیوتر است و بیشتر مورد بیدامی بکند.

**ولیس** - راجع به مهلت زایدی تصور نمیکنم که بیش از این موردی داشته باشد یعنی ابتداء چنانکه آقایان میفرمودند تا آخر سال جاری نوشته شده بود و در کیه-یون هم آنچه که لازم بود بحث شد سه ماه چهار ماه کافی بود ولی در موضوع دیگر مطلب البته متعلقی است و بنده عرض ندارم چون در خود قانون هم هست که با تقاضای بانك اگر کسی وقت و یا بانك قراردادی نکند بانك هم قانع شد بزمانی طرفین دیگر بانك تقاضا نمیکند ولی اگر نخواهد يك کلمه اضافه کند که صریح باشد لازم نیست رفتی که بانك راضی شد که دیگر اولاً بجزو نمیکند که حتماً بگیرد قانون هم همینطور میگوید که اگر تصدیه و تأدیه ننمایند با فرار قلمی بزمانی طرفین ندهند ( مؤید احمدی - در تیسر هفت ) تیسر مال حکم است بعد از صدور حکم

**ولیس** - آقای امیر

**امیر** - این تصمیمی که گرفته ام برای ارفاقی این مطلب را هم باید در نظر گرفت مثلاً آنچه بنده میدانم در نظر دارند بانك فلاحتی درست کنند این يك کار مهمی است اگر يك عده شتاب کنند در اداء قرضشان

بعد از ۱۴ سال ۱۵ سال و يك مبلغ مهمی میرسانیم یعنی بانك فلاحتی باید بطوری که بشنیده ام و در نظر دارند البته خیلی برای اقتصادیات بهتر است با يك نظر های دیگری شود که آبادانی در مملکت پیدا شود بهتر است تا آنکه خواسته باشند قرضشان سه ماه تأخیر شود و بعد هم اگر راضی شدند. آقای وزیر مالیه هم اظهار داشتند خوب ختم میشود با قرارداد اگر مقصود از استمهال این بوده است که هم قرارداد بدهند و پول ندهند این قیادیه ای حسیست این نتیجه ندارد در قانون گذاشتن بفر اینگونه اگر در قانون بگذاریم همه در خیال این خواهند بود که اگر يك عده امسال هزار تومان قرضشان است متصل برود و تکرار کنند و بالاخره اگر هم نباشد دو هزار تومان باز مهلت بگیرند بالاخره آقایان این بود بانك و بدرد مملکت نخواهد خورد هم مهلت بگیرند سیزده سال چهارده سال و بالاخره چه میشود؟ حالا اگر مجلس رأی داد که به بخشند بزمان بنده هم عرض ندارم ولی اگر این نظرها ندارند که به بخشند و میخواهند وصول کنند و بمبالغ و کارهای مهمی دیگر بزنند بالاخره باید روزی گرفته شود اگر در قانون بنویسند که این نمیکند از چند نفر بکفر حاضر شود پول بدهد این يك قرض سنگینی است و هر روز سنگین تر خواهد شد و مشکل تر خواهد شد و هرچه این مطلب زودتر تصدیه شود بهتر است تا درم سالها شازده سال است ماده است آنها که ندارند بدهند که خوب قیادیه ندارد چنانکه الان خیلی از مدبویین بانك معسرند و ندارند بدهند ولی آنها قیادیه نمیتوانند بدهند این ارفاقی دربارم آنها شده است اما در قسمت تیسر هم بقیادیه بنده فقط فرع که قانون دارد که خسارت تأخیر تأدیه این است که بنده پیشنهاد کردم که همه در خیال ۱۲ بمشاورت تأخیر تأدیه

**مخبر** - بسیار خوب میفرمایم. **ولیس** - آقای چشمپدی فرماید یا رد؟ **چشمپدی** - بنده میخواستم راجع باین فرمایشی که آقای شریعت زاده فرمودند عرض کنم که وجود این امر

۲۰



بسره از لحاظ اینکه محاکمات وزارت مالیه اشکال بکنند که این قانون عومومی است و مربوط به محاکمات وزارت مالیه نیست بنا براین قیدی بهتر است یعنی از نهادهای مذکرات کافی است

**ولیس** - پیشنهاد قرائت میشود:

**پیشنهاد آقای آفر**

بنده پیشنهاد میکنم در عرض ریح صدی ۱۲ نوشته شود صدی دوازده بعنوان خسارت تاخیر قانیده

**وزیر مالیه** - عیب ندارد قبول میکنم

**مخبر** - بنده هم قبول میکنم

**پیشنهاد آقای مهر انجلی**

پیشنهاد میکنم در قسمت هر يك از مذکورین يك ايران بود ارکاءه تیر دوازده اضافه شود (با ترفیبن برای پرداخت برضایت با بانک بدهند و مدت هم تا مهر ۱۳۱۲ نوشته شود)

**مهر انجلی** - در وقت فرمایششان فرمودند قبول

مبغیر ما بنده قسمت مدت را که در این جا استدعا کردم تا

مهر ۱۳۱۲ امتداد داده شود حالا که نظر ارفاق است

باید معلومی باشد که بتوانند انجام بدهند نظر این نیست

که نتوانند انجام بدهند برای اینکه بانک قهراً بدو ملت

پرداخت يك وجه نقدی حاضر نخواهد شد بنا بر این

هیچ ضرری ندارد که این سه ماه هم يك مهلتی باشد که

بهر بتوانند انجام بدهند و حتماً هم ما نمیتوانیم که تا

آخر آمدن باشد البته در ظرف این مدت مقصود است

اگر مرحمت نفرمایند قبول نکنند خوب است که مردم هم

بشوند بدهند و وسائل پرداخت را فراهم کنند

**وزیر مالیه** - چون پیشنهاد آقای مهر انجلی دو قسمت

دارد و با یکی از آن بنده نمیتوانم موافقت کنم و با آن

دیگری هم عرض کردم که با مضمونش موافقت دارم و

يك عبارتی هم خودم تقدیم کردم که بقی مضمون است

بطور درشت تر و لهذا نمیشود دارم که اگر بخوانند

موافقت شود همان قسمت اولش را بکنارند قبول نمودم

قسمت دوم را استرداد نفرمایند

**مهر انجلی** - بنده استرداد میکنم

**مردود احمدی** - آقای وزیر مالیه عبارتی را که مرقوم

فرموده اند عیناً موافق است با پیشنهاد حضرتعالی (و با

قرار قبلی با موافقت بانک برای تصدیق آن بدهند اگر

توضیح دیگری بآقای مهر انجلی عرض کنم که اخلاق موس

ما این است تصور نفرمایند اگر سه ماه هم علاوه شود

فرق نمیکند ما تجربه کرده ایم اشخاصی که مثلا حق تیز

دارند همان روز آخر این کار را میکنند اگر شاه هم علاوه

کنید تفاوت نمیکند ما تجربه کرده ایم اشخاصی که مثلا حق

تیز دارند همان روز آخر این کار را میکنند اگر کشش مردم

علاوه کنید تفاوت نمیکند همان روز آخر می آیند و انجام

می دهند

**مهر انجلی** - بنده مسترد میکنم قسمت اخیرش را که

مدت بود قسمت اول را هم که نظر آقای وزیر مالیه همین

کرد

**ولیس** - موافق کردید با عبارتی که آقای وزیر مالیه

مرقوم داشته اند؟

**مهر انجلی** - بل بل

**ولیس** - آقایان که با ماده دوم با اصلاح پیشنهادی آقای

آفر و اصلاح پیشنهادی آقای مهر انجلی که آقای وزیر مالیه

و آقای مخبر موافقت کردند موافقت دارند قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

**ولیس** - تصویب شد - مذاکره در کلیات قلمی است

(بعضی از نمایندگان - مخالفی نیست) آقایانیکه با مجموع

قانون موافقت دارند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

تصویب شد

**۴۰۴ - شور و تصویب لایحه و اعلامی اراضی خاصه**

**بایلات شاهسون**

**ولیس** - لایحه و اکتذاری اراضی و توابع ولایت

آذربایجان بطور اراضی شاهسون قرائت میشود:

ساحت محترم مجلس شورای ملی

برای تشویق طوایف شاهسون آذربایجان به تربی

زندگانی ابدی مادام و احد ذیل را بقید دو فوریت تقدیم

و تقاضای تصویب آراء می نماید:

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است از اراضی و اراضی

دولتی در ولایات آذربایجان که مفر طوایف شاهسون است

هر مقدار را که مقتضی بداند بخوابان و افراد طوایف

مزموره و اکتذاری نماید شرایط و ترتیب و اکتذاری از

طرف وزارت مالیه مین خواهد شد

**ولیس** - فوریت مطرح است - مخالفی نیست؟ (کنند)

بد - (خبر) آقایانیکه با فوریت لایحه موافقت دارند قیام

فرمایند

(اغلب برخاستند)

**ولیس** - تصویب شد - فوریت قلمی مطرح است -

مخالفی نیست؟ (خبر) آقایانیکه با فوریت دوم موافقت

دارند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

**ولیس** - تصویب شد - ماده واحده مطرح است

آقای آفر

**السر** - موافقت بعد از يك مخالف

**ولیس** - آقای اعتبار

**اعتبار** - بنده کسان میکنم که کسی از آقایان در مجلس

نماند که با این لایحه مخالف باشد و البته این یکی از قدمهای

برجسته و یکی از تصویبات خوب دولت است ولی چیزی که

جست اینجا این است که اگر مقتضی بداند بخوابان و

افراد طوایف بدهند بنظر بنده باید خیلی سریع

و روشن باشد که کم چقدر این اشکال بعد ما پیدا نشود

که اگر ما ملکیت قلمی آنها و اکتذاری نماید نوشته

شود و علاوه اینجا میگوید شرایط و ترتیب و اکتذاری

از طرف وزارت مالیه تعیین خواهد شد این را در عمل

بهر ضرورتی يك قانونی کسابقا گذرته بود ما در عمل

دچار اشکال شدیم که چه جز باید واگذار کنیم یا چه

شرایطی و چه ترتیب و در مقابل دولت چه اشکالاتی

دارد البته لازم بود اینها بهتر پیش بینی شود و بنده

و بنظر بنده بایستی نظامنامه تهیه شود برای اینکه در

نظامنامه را وزارت مالیه تنظیم کند و جهت وزارت

تصویب کنند که این هم يك چیز قلمی شود که اشکال  
برای بعدها نشود یعنی بتوانند ما مورین در آن يك بصرفه  
بکنند و يك تقریری بدهند بنظر بنده باید این در مرکز  
تهیه شود و پست ما مورین داده شود

**ولیس** - آقای آفر

**السر** - اگر چه مقدمات مذاکره آقای اعتبار موافقت

بود و تا آخر مطالب بنده ملتفت ندم مخالفی داشته باشند

ولی چون بعد از اینکه بنده اظهار موافقت میکنم ایشان

فرمایشاتی نفرمایند معلوم میشود که مخالف بودند

(اعتبار بنده مخالف نبود) لهذا عرض میکنم که اینها

چیزهایی نیست که ما بتوانیم جزئیات را در نظر بگیریم

و خدای میکنم همان کتا قضا می شود و وقت که دولت در

عمل وارد میشود به شکل ترتیب و با نظر که فرمودند

یکی از آرزوهای عموم یعنی ساینکه حساس هستند و بهر

دارند مملکت از دست يك قسمت از ایلات و از یک قسمت

از ایلات که بواسطه عدم علاقه با این آب و خاک خاک تین

بشوند و علاقه مند بشوند که از قدم ایلام هم در واقع

مختلفه درباری می بینیم که اغلب افغانانی که ایلات

میکردند برای این بود که مجازان را عوض میکردند منتی

باید بطور منظم که امروزه دولت مد نظر دارد و معمول

میدارد هیچوقت نبوده است منتهی آوقت میکنند و

حکم میکنند در این جا بیرون بجای دیگر بدون اینکه

فکر کنند که آنها که از این جا می روند علاقه شان چه

می شود یا آنجا که می روند آیا علاقه پیدا میکنند یا

خبر این بود که بعد از چند سال باز بر میگردد بجایهای

خودشان و این ترتیبی که در این چند سال شده است

بهترین ترتیب است مخصوصاً این ترتیبی که نسبت به

سیستان و اینجا شده است و خیلی خوب هم میشود

کرده آقایان ساینکه این خرابی خوب منحصرت

(صحیح است) با اندازه طبیبان و دارکرمی به علاقه مندی

به آنجا که ملاحظه خواهید فرمود چهار سال دیگر

چندشان ترقی خواهند کرد و این قسمت میان و

شاهسون هم یکی از آن کتدهای بسیار خوب بود و

چنگ ها و حرکات قبایل شاهسون را بدیدیم و حالا

آن قسمتها نیست و رانها از آنها راضی هستند و در این عهد ما هنوز نپذیریم یک حرکتی بکنند که برخلاف رویه سابقه و البته اگر یک آب و خاکی داشته باشند این است مثل سایر رعایا آنها هم در آبادانی خواجه کوشید و امیدواریم در سایر نقاط دیگر هم که ایلات هستند و دولت هم توجه دارد همین کار انجام داد و با هیچ وقت این ترازیم جزئیات را بنویسیم و هیئتطور بد اختیار خوششان باشد بهتر است و بنده موافقم (چشمی از نمایندگان - مذاکرات کافی است)

**رئیس** - پیشنهاد آقای امیرنور کرده اند.

**چشمی** - هنوز کسی صحبت نکرده است

**رئیس** - میل دارید صحبت کنید آقا

چند نفر از نمایندگان - مذاکرات کافی است

**پیشنهاد آقای امیرنور:**

ماده واحده - با طریق ذیل پیشنهاد میکنم:  
ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است مراعات و اراضی دولتی در ولایات آذربایجان که مقر طوایف شاهسون است عنوان مالکیت بخوانین و افراد طوایف مغربه و اعداد و ارقام این طوایف از طرف وزارت مالیه مین خواهد شد

**رئیس** - آقای کلانلی

**امیرنور** - همان ملاحظه که از طرف آقایان

مذاکره شد بکنی از اوضاع خیلی مفیدی که دولت مقدم کرده همین لایحه است و این پیشنهاد بنده هم با ماده واحده هیچ قانونی ندارد جز اینکه بنده پیشنهاد کرده ام که عنوان مالکیت و اعداد و ارقام ذرا متنوس دولت هم از تقدم این لایحه تنویق ایلات است به نظر ذرائعی و فلاخی و البته و قیبه مالک باشند بهتر تنویق می شوند و بهتر کار میکند با آقای وزیر مالیه هم مذاکره کردم ایشان هم موافق شدند و امیدوارم که مجلس هم موافقت کند

**ولیر مالیه** - بنده از اول تا آخر این است پیشنهاد و عبارت آن را که ملاحظه کردم اینطور فرمودم که منظور آقای امیرنور این بود که همان عبارتی که در

قانون نوشته شده باشد فقط یک کلمه ملکیت اضافه شود  
**امیرنور** - بلی بنده فقط منطوقم همین است که یک کلمه ملکیت اضافه شود

**رئیس** - آقای دستاویز و آقای سرپرست زاده

هم همینطور پیشنهاد کرده اند

**چشمی** - پیشنهاد بنده را هم بخوانند

**پیشنهاد چشمی** - پیشنهاد بنده را هم بخوانند

آنها و اعداد نمایانند

**رئیس** - این مال آقای سرپرست زاده است

مال آقای امیرنور را بخوانید

**پیشنهاد آقای چشمی:**

وزارت مالیه مجاز است از مراعات و اراضی دولتی واقف در ایلات آذربایجان که مقر طوایف شاهسون است هر مقدار که مقتضی بداند بملکیت قضایی بخوانین و افراد طوایف مغربه و اعداد و ارقام این طوایف از طرف وزارت مالیه بویج تنویق ایلات و ذراه مین خواهد شد  
**رئیس** - آقای امیرنور

**چشمی** - این کارها را که بنده اضافه کرده ام

برسار پیشنهادها کلمه مجانی است. ترتیب و اعدادی

ممکن است بپول پارتیب دیگری باشد ولی و قیبه

نوشته شد مجانی ملوم است که بملکیت قضایی آنها

و اعداد می شود و اگر نوشته نشود ممکن است در عمل

ایجاب اشکال دارد چنانکه در تنویقنامه های سابق هم

همین اشکالات پیش آمد و هیچوقت صورت ننگرفت

حالا هم البته نظر دولت همین است لذا اگر موافق

هستد این کلمه هم اضافه شود

**پیشنهاد آقای اعتبار:**

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است از مراعات و اراضی

دولتی که در ولایات آذربایجان که مقر طوایف شاهسون

است هر مقدار را که مقتضی بداند بخوانین و افراد

طوایف مغربه بملکیت قضایی آنها و اعداد نمایانند.

شرایط و ترتیب و اعداد طوایف طوایف طوایف خواهد بود که تصویب هیئت دولت خواهد رسید.

**رئیس** - آقای اعتبار

**اعتبار** - بنده عرض خود را عرض کردم و اینجا

بپایان آقای امیرنور چه چوری نقلی کردند که بنده را تصور کرده بخوانند و حال آنکه بنده مخالف بیوم بنده اصلاح

پایانی داشتم در هر صورت این جای بنده برای اینکه

فقط با یک نظامنامه لازم است و این نظامنامه هم اگر

تصویب هیئت دولت برسد البته بهتر و مفیدتر خواهد

بود زیرا وزارت مالیه برای شرایط و اعداد فائل است

منصور میدهد آن شرایط را و ممکن است فردا قابل تغییر

باشد و خود این موجب ترلز و اشکال خواهد بود بنظر

بنده یک نظامنامه برای اینکه لازم است که حالا در سیستان

و بعضی جاها این مهملور میشود این منظور دولت نیست

همه جا رعایت شود و خیلی خوب نظری است.

**رئیس** - آقای دستاویز

**چشمی** - بنده با نظامنامه که در هیئت وزراء نوشته شود

مختم. عرض کنم که اساساً بنده با داشتن خالصه دولت

مختلف و معتقدم که دولت هر اندازه خالصه مال خودش را

بهردم بلاعوض و اعداد نمایانند بقیه خودی و ملکیت

است برای اینکه خراب ترین املاک مملکت املاک

خالصه است بنده میخواهم عرض کنم که در سیستان چه

میکند در سیستان دو سال قبل که اعطاجرت ماهوری

تشریف فرما شدند امر فرمودند که بویج مین شد مرکب

از آقایان وزیر جنگ و والی خراسان و رئیس قشوق

برای اینکه یک معاهده بکنند در و اعداد و ارقام خالصجات

سیستان را عریاض سیستان را هم البته آقایان مستخردند

مبارک خیر خود دارد آب دراز و اول بوساطه

خالصه و بویج و اعداد آنها بدست امراء و امیران مالیه

عمل تمام آنها خراب شده. در دو سال قبل تصویب کردند

که وزارت مالیه این کار را بکند بنده شخصاً اطلاعی ندارم

که چه کرده اند بنده با ارسال که از ملازندان می آیدم

رئیس مالیه را در فیروز کوه دیدم مذاکره کردم دیدم

یک فرمایشی عالی از همین فرمایشی عالی خیلی خشک و سوز

که در بین ما امیران ما از این حرفها میزد که

بود و دیگر راجع بارانی خوزستان بود در پنج شش سال قبل بلکه هفت سال قبل دولت تصویب

گرفت که اراضی لم بزغ و خالصه خراب که اطراف رود

کارون است و اعداد کنند بمرم باین شرط که آنها هم

مابین بیاسوند و آن اراضی را مزروع بکنند یک عالت

عده و بیشرت نکرند اینکار این بود که مردم کاملاً بیادوار

نبودند یعنی معتقد نبودند باینکه این اراضی مال آنها

باشد. این بود که بخواستم سؤال کنم که در این قسمت

توضیحی بدهند و اضافه کردن کلاً مجانی بنظر بنده یعنی

ندارد که چیزی را که بملکیت یک کسی میدهد این

معلوم میشود که میدهد مال او باشد خالصه را بملکیت

دیگری میدهد یعنی مجانی میدهد. برای اینکه در لایحه

که نوشته شده فروشنده و اما نظامنامه بنده را که

دولت بنویسد خیلی بد است آنها را باید بنظر حاکم محل

و رئیس قشوق و روسای مالیه عمل و اعداد کنند که مطابق

مقتضیات عملی مابین مردم تقسیم کنند. اگر اینها بخواهند

نظامنامه را درست بکنند آنها را در یک کادر خشک بی

معنی قرار میدهد و در آنجا موقع تقسیم و توزیع دچار

اشکال خواهند شد

**وزیر مالیه** - چون ممکن است پیشنهادات دیگری هم

آقایان بدهند این است که بنده توضیحی عرض میکنم چون

لایحه بنظر بنده خیلی سهل رسد و اعداد اینجا یک

شبهه برای بعضی آقایان بود که اعداد کنند شاید مجانی

نباشد لهذا میخواهم عرض کنم که اگر باین ترتیب

منظور همه آقایان نامعنی می شود البته بنویسیم بملکیت

بلاعوض و اعداد کنیم (نمایندگان - صحیح است) بکنی از

آقایان هم یک تردیدی فرمودند که مقصود مراعات بهتر

طوایف شاهسون همان باینکه ولایات آذربایجان این مهملور

است که مقصود همان ولایاتی است که مقر ایلات است.

و اگر تردیدی هم نبود بکنی باین توضیح بنده عرض شود.

اما راجع به نظامنامه تصور میکنم این ترتیبی که اینجا

نوشته شده بهترین طریق است برای اینکه این را هم

خود وزارت مالیه در اینجا بگذرانند که وزارت مالیه

اینکار را بکند خود دولت و هیئت وزراء همچو صلاحات هستند



وزارت مالیه نبوده برای اینکه خود هیئت دولت مشاغل زیاد دارد و نظامنامه را ماده باده خواندن مشکل است غالباً در این موارد مالیه مطالباتی میکند و البته در بعضی موارد هم نظریاتی اظهار میشود ولی غالباً باید در اداره مربوطه خودش درست شود و اینهم مستند بیک حکمتی و صلاحی است چون اینجا نوشته شده است که بشرايط و ترتيبات را اکتدار خود برای اینکه امر بطوریکه در لرستان و شاهسون و جاهای دیگر آقای دشتی فرمودند اینها را هم سبب است برای مالکیت و باید و نبی بر حکمت باشد و این باید بیک ترتیبی باشد و جزئیاتش و شرایطش وقت شود . با فراد برسد یا رسد یا چه روز آید آنکه میدون آبی که میشود بهتر مالک با بدو حصار می بکشد و در آن که میدود آفتاب میشود اول سابق البته همود آبی است . اما راجع بجای دیگر البته ارتباطش غیر مستقیم است با این موضوع و خود آقایان ملاحظه فرمایند که این اوراق از طرف دولت هم آید به مجلس هیئت دولت در نظر دارد بتدریج آنچهائیکه باید بخت آید شود عمران شود مردم صاحب مالک شوند با هم چنان داده شود ولی البته این مسئله کلی اساسی که اصلاً دولت هیچ مالکی نداشته باشد و املاک خود را همانا ب مردم بدهد آن یک مسئله و موضوع دیگری است بنده میخواهم در آن یک بحث کنم چرا بمالکین عهده ندهد که پولش را بگردند در همه جا که نباید همچنان دولت املاکش را تقسیم کند چرا ؟ مسئله سیاستن را برای آقایان باید عرض کنم که یکی از بهترین روشها مالکی است که در ایران واقع شده است و آن آنجا بلکه بنده اطلاع دارم عرض میکنم بسیار خوب شده است و امیدوارم نتایجش موقتاً

۱۳۳۴  
 وزارت مالیه - آقای اعتبار درست توجه نفرمودند یک تزیینی داریم بطور متداولالاً تا ۱۳۰۵ آگاهی که از هر وزارتخانه طلب دارند مثل اینکه از دولت طلب دارند مطالبات دولت است و اینطور معمول شده بود هم از وزارتخانه طلب داشت میکنند از وزارت مالیه طلب داریم از آنجا چه طلبی داری از آن وزارتخانه طلب داری ماکه داده ایم از آن وزارتخانه و اداره طلب داری آتوق اگر آن وزارتخانه تا پنج سال نداد بشود جزو دیون دولت و برای آنهم سهمی بد بودجه مملکت میگذریم امسال شش هزار تومان گذاشته شد این صرف می شود برای آن مطالباتی یعنی اولی از وزارتخانه طلب داشته ولی ما بطور کلی طلب از وزارتخانه را فریاد ۱۳۰۵ جزو مطالبات دولت کردیم و از آن به بعدا هر سال را کتباً از هر وزارتخانه که طلب دارند آن وزارتخانه در بودجه اش بگذارند نام وزارتخانه تمام ادارات مگرد - دخانیات همه گذاشته پنی بابت دیون موقوف یک مانی گذاشته که از سال ۱۳۰۶ با نظرف دارند می توانند بدهد ولی ممکن است یک نمک پاپک ربع پاپک خمس کم داشته باشند از بابت دیون موقوفه این قسمت هم همینطور است و یک مانی کف داشته و این مطلب از این جا ناشی شده است که رئیس سابق دخانیات یک مانی طلب داشته طلبش هم از این بابت بوده که در آن سال مسافرتی کرده و بر گشته بود و بعد با وکتی بودند مشغول کار بشود و او هم تمام وقت را کار میکرد ولی چکمه خنکش را صادر نگردانند این رده است که با اصطلاح معروف بوده است خوشفرو بهش ترسیده کار کرده و همان طود بتوقی اخذند است این است که این طلب راپا داشته است و این هم بدخود بودجه بود اعتبارش برده این

وزارت مالیه - آقای اعتبار درست توجه نفرمودند یک تزیینی داریم بطور متداولالاً تا ۱۳۰۵ آگاهی که از هر وزارتخانه طلب دارند مثل اینکه از دولت طلب دارند مطالبات دولت است و اینطور معمول شده بود هم از وزارتخانه طلب داشت میکنند از وزارت مالیه طلب داریم از آنجا چه طلبی داری از آن وزارتخانه طلب داری ماکه داده ایم از آن وزارتخانه و اداره طلب داری آتوق اگر آن وزارتخانه تا پنج سال نداد بشود جزو دیون دولت و برای آنهم سهمی بد بودجه مملکت میگذریم امسال شش هزار تومان گذاشته شد این صرف می شود برای آن مطالباتی یعنی اولی از وزارتخانه طلب داشته ولی ما بطور کلی طلب از وزارتخانه را فریاد ۱۳۰۵ جزو مطالبات دولت کردیم و از آن به بعدا هر سال را کتباً از هر وزارتخانه که طلب دارند آن وزارتخانه در بودجه اش بگذارند نام وزارتخانه تمام ادارات مگرد - دخانیات همه گذاشته پنی بابت دیون موقوف یک مانی گذاشته که از سال ۱۳۰۶ با نظرف دارند می توانند بدهد ولی ممکن است یک نمک پاپک ربع پاپک خمس کم داشته باشند از بابت دیون موقوفه این قسمت هم همینطور است و یک مانی کف داشته و این مطلب از این جا ناشی شده است که رئیس سابق دخانیات یک مانی طلب داشته طلبش هم از این بابت بوده که در آن سال مسافرتی کرده و بر گشته بود و بعد با وکتی بودند مشغول کار بشود و او هم تمام وقت را کار میکرد ولی چکمه خنکش را صادر نگردانند این رده است که با اصطلاح معروف بوده است خوشفرو بهش ترسیده کار کرده و همان طود بتوقی اخذند است این است که این طلب راپا داشته است و این هم بدخود بودجه بود اعتبارش برده این

۱- شور و خوب لایحه اصلاح قسیمی از بودجه مؤسسه دولتی انحصار دخانیات

رئیس - یک کار کوچک هم داریم که پیش از پنج دقیقه وقت لازم ندارد بدهم واقع جلد است امین میبکد خبر کمیسیون بودجه راجع بودجه اداره دخانیات کمیسیون بودجه با حضور نماینده وزارت مالیه لایحه نمره ۲۹۹۵۴ دولت راجع با اصلاح بودجه ۱۳۱۱ اداره انحصار دخانیات را مطرح و تحت شور قرار داده با توضیحاتی که نماینده دولت دادند کمیسیون با عین ماده واحد پیشنهادی موافقت و علیهذا خبر آن را مرض مجلس مقدس می رسد

رئیس - بیست ماده واحد دولت که پیشنهاد شده است بحذف ارقام خدمت آقایان هست فراقش مشکل است

ماده واحد - وزارت مالیه مجاز است مابله یکصد هزار ریال (۱۰۰۰۰۰) از مواد بودجه ۱۳۱۱ انحصار دولتی دخانیات بخرش قیل و نیز وزارت مالیه مجاز است مبلغ هفت هزار و یکصد و بیست ریال (۸۱۲۰) دیوان حقوق موقوفه سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۰۸ را از تاریخ ۱۹ خرداد ۱۳۰۷ لغایت ۱۹ فروردین ۱۳۰۸ آقای موسی خدیو رئیس سابق مؤسسه انحصار دخانیات را از محل قرضه دوم - مخارج غیر ثابت ماده (۱) اعتبار موقوفه منظور در بودجه ۱۳۱۱ انحصار دخانیات بردارد

رئیس - اعتبار - بنده پیشنهادم این جا توضیح داده شود که محل حقوق ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸ رئیس دخانیات چه شده در بودجه بنده نگاه میکردم داشته و خوب هم شده و همینطور اعتبار دیون موقوفه دخانیات در بودجه مابقی منظور شده است و بهلاوه وزارت مالیه ناپک سئ را امین کرده بود که در بودجه خودشان پیش زنی بکنند دیون خنکشان را گمان میبکد مال سجد و هفت بود یک سئ را امین کرده بود که از آن محل دیون استفاده کند موسس خان هم یکی از آنها است و می تواند از آن مقررات استفاده کند عات این که ما میخواهیم تنها برای ایشان یک قانونی بگذاریم

حیث و حال آنکه سایر مستخدمین هم هستد که آنها هم طلب دارند و شاید استخفافان هم از ایشان بپتر باشد و بهلاوه در دخانیات هم محل داشته است محل برای پرداخت بوده است و عات اینکه پرداخت نموده و ایشان طلبکار مانده اند چه بود است از آنها را توضیح بدهند که معلوم شود

وزیر مالیه - آقای اعتبار درست توجه نفرمودند یک تزیینی داریم بطور متداولالاً تا ۱۳۰۵ آگاهی که از هر وزارتخانه طلب دارند مثل اینکه از دولت طلب دارند مطالبات دولت است و اینطور معمول شده بود هم از وزارتخانه طلب داشت میکنند از وزارت مالیه طلب داریم از آنجا چه طلبی داری از آن وزارتخانه طلب داری ماکه داده ایم از آن وزارتخانه و اداره طلب داری آتوق اگر آن وزارتخانه تا پنج سال نداد بشود جزو دیون دولت و برای آنهم سهمی بد بودجه مملکت میگذریم امسال شش هزار تومان گذاشته شد این صرف می شود برای آن مطالباتی یعنی اولی از وزارتخانه طلب داشته ولی ما بطور کلی طلب از وزارتخانه را فریاد ۱۳۰۵ جزو مطالبات دولت کردیم و از آن به بعدا هر سال را کتباً از هر وزارتخانه که طلب دارند آن وزارتخانه در بودجه اش بگذارند نام وزارتخانه تمام ادارات مگرد - دخانیات همه گذاشته پنی بابت دیون موقوفه این قسمت هم همینطور است و یک مانی کف داشته و این مطلب از این جا ناشی شده است که رئیس سابق دخانیات یک مانی طلب داشته طلبش هم از این بابت بوده که در آن سال مسافرتی کرده و بر گشته بود و بعد با وکتی بودند مشغول کار بشود و او هم تمام وقت را کار میکرد ولی چکمه خنکش را صادر نگردانند این رده است که با اصطلاح معروف بوده است خوشفرو بهش ترسیده کار کرده و همان طود بتوقی اخذند است این است که این طلب راپا داشته است و این هم بدخود بودجه بود اعتبارش برده این

با خواهش بار دهم

ولیس - حالا که مصلحتی نیست رأی بگیریم باره آقایان موافقین ورقه سفید خواهند داد (اخذ و استخراج آرا محصل آمده ۲۲ ورقه سفید دادند)

ولیس - عدد حاضر در موقع اعلام رأی ۸۸ با کفایت ۶۲ رأی صوب شد \*

ولیس - ما امروز در آخر ماه شصت و هفت قرار گرفتیم برای ماه رمضان دو نظر اظهار شده است جماعتی از آقایان پیشنهاد کرده اند که یکساعت بعد از ظهر جلسه بشود و جماعتی عقیده دارند که کافی السابقت شبها تشکیل جلسه شود

(مهمه نمایندگان - خیر ما مخالفیم همان شب باشد (زنگ ولیس - دعوت بسکون)

ولیس - آقای دهستانی شما از اجازه کنندگان هستید بفرمایید

دهستانی - بنده اصراری ندارم بنده بنظر آقایان است

ولیس - آقای ناصری بفرمایید

ناصری - بنده نظر به اینکه فصل زمستان است

و ممکن است در آخر شب بواسطه تصرف هوا برین شوم این پیشنهاد را کردم که عصرها جلسه باشد (مهمه نمایندگان)

جمعی از نمایندگان - شب بهتر است

ولیس - آقای وکیل احمدی

مؤید احمدی - تنها دلیلی که آقای ساری ذکر کرده سردی هوا بود و بنده عقیده این است که آقایان سردی هوا را تحمل میکنند (صحیح است) و خوب است مثل سابق جلسات رمضان در شب باشد (صحیح است - صحیح است)

ولیس - آقایانی که موافقت جلسه شب باشد قیام فرمایند (عده کثیری قیام نمودند)

ولیس - صوب شد - در ماه رمضان جلسات شب باشد (صحیح است) جلسه آینه شب ۱۰ دقیقه ساعت هفت بعد از ظهر دستور لایحه اورژان و مقادیر وسایل لوازم موجوده

(مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)

ولیس مجلس شورای ملی - دادگر

# قانون

راجع فرع وجوه بدهی مدیونین بانک ایران

ماده اول - مدیونین بانک ایران و قائم مقام آنها که راجع بدهی قراردادی یا بانک استقراضی سابق داشته اند بقتضای بانک ایران باید مطابق قرارداد مزبور فرع مقررا در تاریخ ۱۲ اسفند ۱۲۹۸ و بانک ایران پرداخته مدیونین بانک ایران و قائم مقام آنها که با بانک استقراضی قرارداد مخصوصی راجع فرع نداشته اند بقتضای بانک باید فرع مبلغ بدهی را نرخ و ترتیب معمول بانک استقراضی سابق تا تاریخ ۱۲ اسفند ۱۲۹۸ بانک ایران تأدی نمایند

ماده دوم - هر یک از مدیونین بانک ایران و قائم مقام آنها که بدهی خود را ترتیب مذکور در ماده فوق تا اول تیرماه ۱۳۲۲ با بانک ایران تصفی و تأدی نمایند و با قرار قطعی با موافقت بانک برای تصفی آن بدهند از تاریخ اسفند ۱۲۹۸ تا زمان تأدی فرع دیگری از آنها مطالبه نخواهد شد.

هر یک از مدیونین بانک ایران و قائم مقام آنها که تا اول تیر ماه ۱۳۲۲ بدهی خود را اصلاً و فرعاً بطوریکه در ماده فوق مرتب است نپردازند از تاریخ اظہار نامه و دسورت عدم ابلاغ از تاریخ اقامه دعوی در محاکم عدلیه یا بحاکمات مالیه تا تاریخ صدور حکم فرع مقرر در قرارداد و اگر قرارداد مخصوصی راجع فرع نموده فرع معمولی بانک محکوم خواهد شد.

تبصره ۱ - هر یک از بدهکاران بانک ایران که تا دو روز پس از ابلاغ حکم بدهی خود را اصلاً و فرعاً نپردازد و با موافقت بانک قراردادی راجع به پرداخت متعقد نمایند از تاریخ صدور حکم تا روز تأدی (صدی دوازده عنوان خسارت تأخیر) به محکوم به تعلق خواهد گرفت.

تبصره ۲ - مقصود از مدیونین مذکور در مواد فوق اعم از اشخاص و مشمولان و هر یک از اشخاص کنندگان دیگر اسناد بانک است

این قانون که مشتمل بر دو ماده است در جلسه هفتمی ماه پیکزاد و سید و یازده شمس صوب مجلس شورای ملی رسید

# قانون

اجازه واگذاری مراتع و اراضی دولتی واقع در آذربایجان بخوابین و افراد شاهسون

ماده واحد - وزارت مالیه مجاز است از مراتع و اراضی دولتی در ولایات آذربایجان که مقر طوایف شاهسون است هر مقدار را که مقتضی بداند بخوابین و افراد طوایف مزبور به بلاعوض و ملکیت واگذار نماید شرایط و ترتیبات واگذاری از طرف وزارت مالیه بین خواهد شد.

این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه هفتمی ماه پیکزاد و سید و یازده شمس صوب مجلس شورای ملی رسید

# قانون

اصلاح بودجه ۱۳۱۱ تصحیح دولتی دخانیات

ماده واحد - وزارت مالیه مجاز است معادل یکصد هزار ریال (۱۰۰۰۰۰) از مراد بودجه ۱۳۱۱ انحصار دولتی دخانیات بخرج ذیل:

\* اساسی رأی دهندگان - آقایان و شریعتزاده - میرزا محمد حسین نواد - امیر ابراهیم - لیثوئی - صالح خان - ابوالحسن یغیا ایبر دولتمندی - دبستان کرمانی - سید کامظم زیدی - امیر عامری - دکتر ملک زاده - خواهری - بیات و صاحب - مصدق - میرزا محمد طیفان تربیت - ککائی - زرمی - محمد شیبانی - میرزا پانس - وهیری - منتی - میرزاخان - اسکیتان - امیر حسین خان پشتری - پوشوری - ملک زاده آملی - قزوینی - حبی - میرزا اسدالله قلی - دیر سهرابی - مؤذبه ای - غیر فرزند - آخری - نجیب - مقدم - دکتر سبزی - حسین قلیخان نواد - دادور - مسودی - دکتر احتشام - دکتر امیر اظم - جناب میرزا دولتمندی - آخوند باب علی - لاریجانی - عیاض - دهستانی - سردی - دکتر شیخ - شریفی - هراتی - اقبال - قاضی خان پشتری - محمد تقی خان اسد - مصحح سنگ - محمد علی میرزا دولتمندی - دکتر سنگ - مولوی - وهاب زاده - عطایاتی دیا - نذیرالاسلامی - طاهری - امیر - کاروونی - اسدی

شماره اعتبار ریال	بیلانی که کسر میشود ریال	اصل اعتبار مواد ریال	شرح مواد
			<u>از فصل اول</u>
۱۰۰۱۲۴۰	۲۵۰۰	۱۰۰۴۲۸۰	ماده (۱) - قسمت اعتبار اضافه حقوق و ترخیصات
۱۱۵۱۷۰۰	۲۵۰۰	۱۱۵۴۲۰۰	۲ (۲) - قسمت اعتبار اضافه حقوق
-	۵۵۰۰۰	۵۵۰۰۰	۳ (۳) - حقوق و مخارج مستخدمین خارجی
۷۰۰۰	۳۰۰۰	۵۰۰۰	۴ (۴) - حق الکفاله و حقوق مرخصی و غیره
۱۶۰۰	۱۰۰۰	۲۰۰۰	۷ (۷) - اعتبار خسارت مالی و جانی مستخدمین
۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۸۹۰	۹ (۹) - اعتبار مساعدت مستخدمین بی بضاعت
			<u>از فصل دوم</u>
۲۴۵۰۰	۲۰۰۰۰	۵۲۹۰۰	ماده (۱۲) مطبوعات
۲۲۲۴۰	۵۰۰۰	۲۸۲۴۰	۲۱ (۲۱) - مخارجی که در سایر مواد منظور نشده
۵۰۰۰	۵۰۰۰	۱۰۰۰۰	۲۳ (۲۳) - مخارج کشف قاچاق
			<u>از فصل سوم</u>
۲۰۰۰	۲۰۰۰	۵۰۰۰	۲۲ (۲۲) - حقوق و مخارج مأمورین بیکه بیساکه دعوت میشوند
			<u>از قفره دوم - مخارج غیر ثابت</u>
۹۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰۰	ماده (۱) - اعتبار دیون معوقه
	۱۰۰۰۰۰	جمع کسور	موضوع نموده معادل آن بمواد دیگر همین بودجه بشرح ذیل اضافه نماید:
۹۷۰۰۰	۵۰۰۰۰	۱۷۰۰۰	بماده (۱۰) - اعتبار ترمیم مواد از ۱ الی ۹
۱۱۷۲۰۰	۵۰۰۰۰	۱۷۲۰۰۰	بماده (۲۴) - اعتبار ترمیم مواد از ۱۱ الی ۲۳
	۱۰۰۰۰۰	جمع اضافه	

وزیر وزارت مالیه مجاز است مبلغ هشت هزار و یکصد و بیست ( ۸۱۲۰ ) ریال حقوق معوقه سال ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸ ( از تاریخ ۱۹ دیماه ۱۳۰۷ لغایت ۶ فروردین ۱۳۰۸ ) آقای موسس خان رئیس سابق مؤسسه انحصار دخانیات را از محل قفره دوم - مخارج غیر ثابت ماده (۱) اعتبار دیون معوقه منظور در بودجه ۱۳۱۱ انحصار دخانیات بپردازد.

این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه هفتم دیماه یک هزار و سیصد و پانزده شمس بتوسط مجلس شورای ملی رسید.  
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر